

بررسی فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی از منظر اساتید دانشگاه کردستان

شادی محمدی*
دکتر کیوان بلندهمتان**
دکتر خلیل غلامی***

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی است. برای نیل به این هدف، از رویکرد کیفی مبتنی بر مطالعه نمودنگارانه استفاده شد. شرکت کنندگان در تحقیق، ۱۱ نفر از اساتید دانشگاه کردستان بودند که با استفاده از نمونه گیری هدفمند به روش گلوله برفی تا اشباع نظری داده‌ها انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه پیمایشی با روش هدایت کلیات و برای تحلیل داده‌ها از روش نمودنگاری تکاملی و دنبال کردن مراحل جاوینن و باودن استفاده شد. یافته‌ها که در سه دسته پیش‌فرض‌ها، اصول و روش‌ها طبقه‌بندی شده، نشان می‌دهد که به باور استادان، تربیت دینی در شرایط فعلی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و لازم است جایگاهش در دانشگاه‌ها احیا شود تا برای دانشجو برانگیزاننده باشد. از این رو، به اساتیدی نیاز است که تربیت دینی در آن‌ها نهادینه شده باشد و با گفتار و عمل خود، در رساندن دانشجو به کمال تلاش کنند. آنان با اهمیت دادن به زیر ساخت‌های اخلاقی و دینی و با توجه به اصل آزادی فکر و عمل و در کنار آن با الگو محوری خود، باید چهره‌ای از دین و تربیت دینی را برای دانشجو به تصویر بکشند که دغدغه اوست. به همین جهت، استاد لازم است دانشجو و زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی او را شناخته، وی را به سوی کردار راستین دینی به دور از ریا و تظاهر کشانده و خود در این کار پیشگام باشد؛ ولی هرگاه هم که لازم شد، دوستانه و مشاوره گونه دانشجو را راهنمایی کند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، فلسفه شخصی، نمونه گیری گلوله برفی، اشباع نظری، نمودنگاری (پدیدارنگاری)، نمودنگاری تکاملی (بالنده).

Email: shadi.mohammadi20@gmail.com

Email: k.bolandhematan@gmail.com

Email: khalil.gholami@gmail.com

* کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان

** عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

*** عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

مقدمه

همان‌گونه که باقری (۱۳۸۵، ص ۶۱-۶۲) یادآور شده است، آنچه را اصطلاحاً تربیت اسلامی گفته می‌شود می‌توان چنین تعریف کرد: شناخت خدا به‌عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به‌عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر. به دیگر سخن، آدمی باید دریابد چرا ربوبیت در شأن خداوند است و چرا باید انحصاراً او را رب یگانه هستی دانست (شناخت)؛ آدمی در پرتو شناختی که به دست آورده، خدا را رب خویش برگزیند و دیگران را واگذارد (انتخاب)؛ و با تن زدن از ربوبیت غیر، راه تن دادن به ربوبیت خدا هموار شود (عمل). برای رسیدن به این مقصود ضروری است تربیت دینی از مؤلفه‌های بنیادینی برخوردار باشد. نمونه را، عقلانیت در عرصه‌های مختلف اعتقادات؛ اخلاق و عبادات و احکام دینی؛ تقوای حضور در برابر تقوای پرهیز؛ ارزیابی همراه با گزینش و طرد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۲). انسان برای دست یابی به تعالی خود نیاز به دین دارد و برای نهادینه شدن دین در درون انسان، باید تربیت دینی صورت پذیرد و انجام چنین کاری به ویژه در دانشگاه‌ها دشوار، ولی بسیار ضروری است؛ زیرا تربیت دینی نیاز به زمان دارد و پروسه‌ای طولانی بوده و در یکی دو ترم اتفاق نمی‌افتد بلکه نهادینگی آن در دراز مدت روی می‌دهد. برای این کار باید جایگاه تربیت دینی در دانشگاه‌ها احیا شود و بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بدین جهت که اساتید به‌عنوان رکن اصلی دانشگاه ایفای نقش می‌کنند و مسئولیت‌های مهمی دارند که فقط به جنبه‌های علمی و فنی محدود نمی‌شود، بلکه به‌مانند اخلاق، تربیت دینی نیز باید همانند چتری باشد که بر تمام فعالیت‌های آن‌ها سایه افکند. به عبارت دیگر، انسان و جامعه‌ای که با گرایش به یک آیین و مذهب خاص، مسیر زندگی خود را تعیین می‌کند نمی‌تواند در انتخاب اهداف غایی تربیتی، خود را بی‌نیاز از باید و نبایدهای دینی بیند. فرهنگ دینی حاکم بر انسان در همه شئون زندگی او ریشه می‌دواند و خود را در رفتارهای فرد ظاهر می‌گرداند. در نتیجه، می‌توان گفت که دین به نگرش فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن اهداف تربیتی جهت می‌دهد (اعرافی، ۱۳۷۶، ص ۱۸). با چنین نگاهی از دیرباز تربیت دینی بخشی مهم از فرآیند تربیت را به خود اختصاص داده است.

البته باید یادآور شد که هنگام به‌کارگیری اصطلاح تربیت دینی سه معنا به ذهن می‌آید: ۱. نظریه دینی تربیت؛ ۲. نظریه تربیت دینی؛ ۳. فلسفه تربیت دینی. در حوزه سوم که در این تحقیق بدان پرداخته شد، فرد با شیوه‌های عقلانی از تربیت دینی دفاع می‌کند یا آن را به نقد می‌کشد. چنین مباحثی را می‌توان حوزه فلسفه تربیت دینی نامید. به بیان دیگر، فلسفه تربیت دینی بحث عقلانی (چه ایجابی و چه سلبی) درباره تربیت دینی است. این حوزه خود شامل وجوه گوناگونی

است؛ نمونه را، فلسفه تربیت دینی به امکان تربیت دینی پاسخ می‌دهد و ضرورت آن را روشن می‌گرداند. همچنین پیوند دهنده متافیزیک و فلسفه دین با تربیت دینی است (بلندهمتان، ۱۳۸۷، ص ۹-۲۶). یکی دیگر از قلمروهای پژوهشی فلسفه تربیت دینی، فلسفه شخصی تربیت دینی است. فلسفه شخصی، گزاره‌ها و دیدگاه‌های فلسفی فرد درباره یک چیز خاص است که سه بعد آنتولوژی، اپیستمولوژی و متدولوژی را در بر می‌گیرد. به تبع آن فلسفه شخصی تربیت دینی نیز می‌تواند گزاره‌ها و دیدگاه‌های فلسفی فرد درباره تربیت دینی باشد که به شکل پنهان بر نقش اساتید تأثیر می‌گذارد و این‌سان می‌توان گفت از مهم‌ترین و اصلی‌ترین لایه‌های پنهانی که وجه پنهان تربیت دینی را شکل می‌دهد، در واقع فلسفه شخصی فرد نسبت به آن است. فلسفه شخصی اساتید درباره تربیت دینی از سویی، زیرمجموعه فلسفه تربیت دینی است و از سوی دیگر، زیرمجموعه فلسفه شخصی تدریس که فلسفه شخصی تدریس نیز بیانگر گزاره‌ها و دیدگاه‌های فلسفی اساتید در ارتباط با تدریس است. امروزه برای نوشتن بیانیه فلسفه تدریس در دانشگاه‌های معتبر جهان (برای نمونه دانشگاه ایلنوی، اوهایو، هاوایی، واشنگتن، تگزاس، میشیگان، مینه‌سوتا، پرینستون) ۱، از اساتید خواسته می‌شود که فلسفه شخصی تدریس خود را بنویسند تا کار خود را با روشنی هر چه بیشتری انجام دهند و بدین وسیله ارزیابی درستی از کار آنان صورت گیرد (کاپولا، ۲۰۰۲، ص ۴۴۸؛ گراندمن، ۳، ۲۰۰۶، ص ۱۳۲۹-۱۳۳۳). بیانیه فلسفه شخصی در ارتباط با تدریس، روایتی است که شامل تصور و درک ما از تدریس و به سخن دیگر توصیفی است از چگونگی تدریس ما؛ و در واقع توجیهی است برای اینکه چرا ما در نقش استاد عمل تدریس را انجام می‌دهیم، چه هدفی را دنبال کرده و چگونه آن اهداف را توصیف می‌کنیم (پیترز، ۴، ۲۰۰۹، ص ۲). به دیگر سخن، بیانیه فلسفه شخصی استاد در ارتباط با امر آموزش، تصور و درک وی از فرایند آموزش است؛ که در واقع گویای فعالیت و نقش او به‌عنوان یک استاد در کلاس درس است. این بیانیه، به بررسی رابطه بین رویکرد نظری استاد نسبت به اهداف شخصی و آموزشی و شیوه کلاس داری وی می‌پردازد و دست کم چهار سود مهم از آن به دست می‌آید: ۱. اندیشیدن به آموزش و یادگیری قبل از حضور در کلاس درس؛ ۲. تأمل و اندیشیدن در رابطه با معنا و تعریف دانشجویان از عمل استاد؛ ۳. تعریف نقش استاد در کلاس درس در زمینه انتظارات دانشجو؛ ۴.

۱. چگونگی نوشتن بیانیه فلسفه شخصی در سایت دانشگاه‌های مذکور به صورت آنلاین نیز قابل دسترس است که در بخش منابع به آن اشاره شده است.

2.Coppola

3.Grundman

4.Peters

تعریف انتظارات استاد از دانشجویان (ماندرنچ^۱، ۲۰۰۹م، ص ۹). بدین سان فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی نیز، آشکارا یا نهان، خود را نشان داده و نوشتن بیانیه درباره فلسفه شخصی در زمینه تربیت دینی و یا بیان کردن آن توسط اساتید کمک می‌کند آن‌ها نسبت به نقش خود آگاه‌تر شده و اهمیت وظیفه‌ای را که در قبال دانشجویان عهده‌دار شده‌اند بهتر درک کنند. با آنکه پژوهش‌های بسیاری در زمینه فلسفه تدریس انجام شده است، ولی کمتر پژوهشی به بررسی فلسفه شخصی تدریس پرداخته است. شاید بتوان این نوع نگاه به حرفه آموزگاری را به دیویی^۲ برگرداند که با نوشتن «مراومه تربیتی من»^۳ (۱۸۹۷م) نخستین کوشش‌ها را در این راستا شکل داد. البته در دیگر حوزه‌ها کارهایی در زمینه فلسفه شخصی انجام شده است؛ برای نمونه در زمینه آنکولوژی (اسمیت^۴، ۱۹۸۷م، ص ۵۵-۵۵)، پزشکی (آلپرت^۵، ۲۰۰۶م، ص ۸۱۱)، بیولوژی (مک لوری^۶، ۱۹۸۱م، ص ۱۱۹-۱۲۱) و مدیریت (بوربیج^۷، ۱۹۸۵م، ص ۴۷۷-۴۸۷). ولی در زمینه فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی تاکنون هیچ تحقیقی در ایران و در خارج از کشور صورت نگرفته است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی فلسفه شخصی اساتید و به عبارتی، تجربه زیسته اساتید در زمینه تربیت دینی است تا بر این اساس به شناخت بهتر وضعیت موجود تربیت دینی و مسائلی که در این راستا می‌تواند وجود داشته باشد رسیده و در ترسیم وضعیتی آرمانی برای تربیت دینی تلاش بیشتری انجام داد؛ زیرا نظام تعلیم و تربیت و خصوصاً دانشگاه از جمله سازمان‌هایی است که نیازمند توجه به امر تربیت و آموزش است. نیاز به تربیت نیازی بنیادی و ریشه‌ای است و برای تربیت یک انسان جهت رسیدن به کمال، به سال‌ها تربیت و آموزش نیاز است؛ به همین دلیل، این پویا در دانشگاه نیز باید دنبال شود. تربیت دینی نیز از این امر مستثنا نبوده و زمان‌بر است. وانگهی، به مربی‌ای که هم تربیت و هم تربیت دینی به شکلی سالم در او نهادینه شده باشد، نیاز است. بنابراین، اساتید یا مربیان ما باید به اهمیت بیشتر نقش خویش در این راستا پی برده و سعی کنند دانشجویان را به کمال (قرب الهی) برسانند.

1. Mandernach
2. Dewey
3. my pedagogic creed
4. Smith
5. Alpert
6. Maclowry
7. Burbidge

هدف، پرسش‌ها و روش پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی فلسفه شخصی اساتید در زمینه تربیت دینی از منظر اساتید دانشگاه کردستان (دانشکده‌های ادبیات و علوم اجتماعی) است. برای رسیدن به این هدف پرسش‌های زیر بررسی گردیدند:

۱. اساتید چه پیش فرض‌هایی در زمینه ضرورت تربیت دینی دارند؟
۲. اساتید چه اصولی را در ارتباط با تربیت دینی به کار می‌گیرند؟
۳. شیوه‌های به کار گرفته شده از سوی اساتید، در ارتباط با تربیت دینی شامل چه مواردی است؟

در این تحقیق برای واکاوی مسئله پیش رو از رویکرد کیفی و از میان راهبردهای متناسب با تحقیقات کیفی، راهبرد نمود نگاری^۱ استفاده گردید. چراکه تحقیق حاضر در پی آن است که به درکی عمیق از مفاهیم متفاوت یک پدیده در نزد افراد مختلف دست پیدا کند؛ و این‌که افراد چگونه به تجربه‌های خود (تجربه زیسته) معنا بخشیده و آن‌ها را هم به طور فردی و هم به شکل جمعی (معنای مشترک آن تجربه‌ها) به آگاهی تبدیل می‌کنند (دانایی فرد و کاطمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵-۱۷۶). نمود نگاری نوعی استراتژی پژوهش است که کار خود را بر تجارب متفاوت افراد از یک پدیده قرار داده و سعی در ارائه توصیفی عمیق از یک پدیده معین نزد گروه خاصی از افراد دارد. نمود نگاری به کار گرفته شده در این پژوهش نمود نگاری بالنده^۲ بود نه توصیفی. پژوهش نمود نگاری تکاملی به دنبال توصیف ویژگی‌های عمده مربوط به یک پدیده از دیدگاه یک گروه خاص از افراد است و تلاشی مستقیم یا غیرمستقیم برای بهبود معنا است. در توصیف رابطه بین مفاهیم و مقوله‌های افراد در رویکرد نمود نگاری تکاملی، اصطلاح مفهوم برای اشاره به روش‌های تجربه افراد از یک جنبه خاص از واقعیت و مفاهیم استفاده می‌شود. به عبارتی، مقوله‌ها یا طبقات توصیفی هم برای نامیدن چندگونه معنای شناسایی شده (مفهوم) در تجربه افراد است (باودن، ۲۰۰۰م، ص ۱۵).

شرکت‌کنندگان^۳ در این پژوهش، اساتید دانشگاه کردستان بودند. برای سنجش نظر آنان از روش نمونه‌گیری هدفمند یا نظری از نوع ملاکی به روش گلوله برفی استفاده گردید. تعداد شرکت‌کنندگان که بسته به اشباع یا کفایت نظری مورد مطالعه قرار گرفتند، ۱۱ نفر بودند که برخی از مشخصات آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Phenomenography
 2. Phenomenographic
 3. Participant

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در تحقیق

مصاحبه‌شوندگان	دانشکده	رشته	سن	مدرک	سابقه تدریس (به سال)
مصاحبه‌شونده شماره (۱)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	برنامه‌ریزی درسی	۴۰ سال	دکتری	۱۵
مصاحبه‌شونده شماره (۲)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	برنامه‌ریزی آموزشی	۴۸ سال	دکتری	۲۴
مصاحبه‌شونده شماره (۳)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	برنامه‌ریزی درسی	۳۳ سال	دکتری	۴
مصاحبه‌شونده شماره (۴)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	حسابداری	۴۲ سال	دکتری	۱۶
مصاحبه‌شونده شماره (۵)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	حقوق بین‌المللی	۳۲ سال	دکتری	۸
مصاحبه‌شونده شماره (۶)	ادبیات و زبان‌های خارجی	ادبیات عرب	۵۱ سال	دکتری	۲۰
مصاحبه‌شونده شماره (۷)	ادبیات و زبان‌های خارجی	ادبیات عرب	۴۱ سال	دکتری	۱۰
مصاحبه‌شونده شماره (۸)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	ادبیات فارسی	۴۹ سال	دکتری	۱۰
مصاحبه‌شونده شماره (۹)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	مدیریت بازرگانی	۴۵ سال	دکتری	۱۹
مصاحبه‌شونده شماره (۱۰)	ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی	فقه شافعی	۴۰ سال	دکتری	۱۸
مصاحبه‌شونده شماره (۱۱)	ادبیات و زبان‌های خارجی	ادبیات عرب	۳۹ سال	دکتری	۸

در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری داده‌های کیفی از ابزار مصاحبه از نوع نیمه ساختارمند استفاده گردید؛ به‌گونه‌ای که مصاحبه‌شونده با یک سؤال کلی و باز در ارتباط با موضوع پژوهش مواجه می‌شد و شروع به گفتن دیدگاه خود در ارتباط با موضوع حاضر می‌نمود. دلیل استفاده از این نوع مصاحبه آن بود که محقق بتواند بدون محدود کردن دیدگاه‌های مشارکت‌کننده‌ها، جهان‌بینی‌ها و تجارب آن‌ها را بررسی کند. همچنین متن مصاحبه‌ها با کسب اجازه از اساتید ضبط می‌شد یا اگر اجازه نمی‌دادند شروع به نوشتن مصاحبه به شکل دستی کرده و زیر نکات کلیدی خط کشیده می‌شد؛ و در لابه‌لای گفته‌های این دسته از مصاحبه‌شوندگان سؤالاتی جزئی‌تری ارائه شد. مصاحبه‌های ضبط‌شده نیز بلافاصله آوانویسی (تبدیل صدای ضبط‌شده به متن) می‌شد تا درگذر زمان نکته‌ای از آن به دست فراموشی سپرده نشود. این کار تا جایی ادامه پیدا کرد که به اشباع نظری دست‌یافتیم و به عبارتی دیگر، زمانی که نظرات جدیدتری از اساتید ارائه نشد، فرآیند نمونه‌گیری متوقف شد. بعد از پیاده کردن مصاحبه بلافاصله بعد از هر مصاحبه و خواندن دوباره و چندباره متن، مصاحبه‌ها کدگذاری باز انجام شد. مرحله بعد به درآوردن کدگذاری محوری (مقوله) پرداخته شد، در مرحله بعد نیز به درآوردن کدگذاری گزینشی (طبقات توصیفی) پرداخته شد که خود این طبقات نیز در عنوان فضای نتیجه یک‌کاسه گردیدند. از دیگر سو، برای بالا بردن قابلیت اعتماد یافته‌ها، متن مصاحبه در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفته و آنان آن را بازخوانی، تأیید یا اصلاح می‌کردند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های حاصل از مصاحبه نشان داد که تربیت دینی در شرایط فعلی از جایگاه مطلوبی برخوردار نبوده و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور به طبقات توصیفی‌ای در ارتباط با تربیت دینی از جمله وضعیت کنونی، وضعیت آرمانی و مبانی تربیت دینی در این راستا دست یافتیم، که خود این طبقات نیز پیش فرض‌ها، اصول و شیوه‌های به کار گرفته شده توسط اساتید در ارتباط با تربیت دینی را شامل می‌شود.

۱. پیش فرض‌های اساتید در خصوص تربیت دینی

این پیش فرض‌ها را می‌توان در سه دسته پیش فرض‌ها پیرامون وضعیت کنونی و مطلوب و مبانی تربیت دینی جای داد.

۱-۱. پیش فرض‌های اساتید در ارتباط با وضعیت کنونی

۱-۱-۱. ضعیف بودن جایگاه فعلی تربیت دینی در دانشگاه (توجه بیشتر به تحصیلات و یادگیری، نه رشد فردی) را در مصاحبه با بسیاری از مشارکت‌کنندگان می‌توان دریافت. در ارتباط با ضعیف بودن جایگاه فعلی تربیت دینی یکی از مشارکت‌کننده‌ها چنین اظهار می‌دارد:

به نظر من با توجه به این که تربیت دینی را چه چیزی تعریف کنیم، جایگاه فعلی آن را ضعیف می‌بینم که این امر از یک طرف برمی‌گردد به متولیان امر تربیت دینی که در داخل دانشگاه هستن و این که چه کاری انجام می‌دهند و از طرف دیگر برمی‌گردد به رفتار خود ما به عنوان کسانی که در این زیر مجموعه داریم کار می‌کنیم و متولی امر دین نیستیم (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه‌شونده‌ها بود. به اعتقاد آن‌ها جایگاه فعلی تربیت دینی در دانشگاه، هم به لحاظ گفتاری و هم به لحاظ عملکرد افراد در این زمینه، ضعیف ارزیابی می‌شود.

۱-۱-۲. بی‌انگیزگی ورودی‌های جدید نسبت به دین و تربیت دینی: از دیگر مواردی که در ارتباط با تربیت دینی در وضعیت کنونی نامطلوب ارزیابی شد بی‌انگیزگی ورودی‌های جدید نسبت به دین و تربیت دینی بود که مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۳-۷-۸) نیز قرار گرفت. یکی از مشارکت‌کننده‌ها بر این اعتقاد بود:

با توجه به تجربه بیست و چهار ساله ام، معتقدم که نتیجه موفقیت آمیز زمانی حاصل می شود که انگیزه لازم توسط تمایل و کشش طرف مقابل که دانشجوها هستند، حاصل شود و دانشجو آمادگی لازم برای قبول کردن حرف های من رو داشته باشد. در واقع دانشجوها در سن حساس و شرایط خاصی از نظر روحی و روانی هستند و طبیعتاً نوع نگاهشان به جامعه، به ایده آل ها، با دیدگاه های ما متفاوت است. اگر در این زمینه انگیزه ای در طرف مقابل وجود داشته باشد شاید این باعث بشه که بهتر زبان همدیگر و بفهمیم (مصاحبه شونده شماره ۲).

در همین راستا علامه طباطبایی بیان می دارد، تعلیم و تربیت در صورتی به بار می نشیند که دانش آموزان آمادگی پذیرش مطالب را داشته باشند. این آمادگی وقتی به وجود می آید که دانش آموزان به نوعی، به مطالب آموزشی احساس نیاز کنند و به آن ها علاقه مند باشند. در آیات قرآن این نکته گوشزد شده است که مشیت پروردگار به رشد و تزکیه افرادی تعلق می گیرد که آمادگی داشته باشند. به اعتقاد وی القای یک نظریه علمی در هنگام احتیاج و رسیدن هنگام عمل، در دل شاگردی که می خواهد آن را بیاموزد، بهتر ثبت می گردد و در قلب می نشیند و زود فراموش نمی شود (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۵۰).

۱-۱-۳. بی توجهی به زیرساخت های اخلاقی و دینی: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت نامطلوب تربیت دینی در شرایط کنونی، دیدگاه مشارکت کننده شماره ۴ قابل تأمل است:

به نظر من متأسفانه امروزه این بی توجهی به یک خلأ تبدیل شده، یعنی هرچقدر که اخلاق و دین در زندگی فردی و اجتماعی کمرنگ تر شود تبعاتش هم طبیعی است که مثلاً طلاق و بزهکاری باشه. چرا این ها اتفاق می افتند؟ چون ما به زیرساخت ها توجه نمی کنیم که یکی از این زیرساخت ها در واقع پررنگ کردن مسائل اخلاقی و دینی است.

گفته های این مشارکت کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه شونده ها بود. به اعتقاد آن ها متأسفانه امروزه به زیرساخت های تربیت دینی و اخلاق کمتر توجه می شود.

۱-۱-۴. استفاده ابزارگونه از دین: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت نامطلوب تربیت دینی در شرایط کنونی، دیدگاه مشارکت کننده شماره ۷ قابل تأمل است:

به نظر من الان در جامعه ما یک سری مشکلات در زمینه تربیت دینی وجود دارد و حتی طوری شده این مشکل که افراد از بحث های دینی منزجر شده اند. در واقع عملکرد افراد در جامعه به گونه ای است که از دین به عنوان یک ابزار استفاده کرده اند و همین باعث شده خیلی ها دین گریز شوند.

گفته های این مشارکت کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه شونده ها بود. به اعتقاد آن ها متأسفانه

امروزه دین به یک ابزار تبدیل شده که در جهت منافع افراد بالادست به خدمت گرفته می‌شود.

۱-۲. پیش‌فرض‌های اساتید در ارتباط با وضعیت آرمانی و مطلوب

۱-۲-۱. تقدم پرورش شخصیت دانشجو بر آموزش: پرورش دادن شخصیت دانشجو امر بسیار مهمی بوده و تلاش برای شخصیت‌سازی دانشجو در واقع یک نوع اهمیت دادن و به عبارتی یک نوع شخصیت دادن به دانشجو است که می‌توان آن را در مصاحبه با تمامی مشارکت‌کنندگان دریافت. یکی از مشارکت‌کننده‌ها چنین می‌گوید:

در متون دینی ما به این امر اشاره شده که پرورش مقدم بر آموزش است و حتی تأکید شده که درست‌تر این است که بگوییم پرورش و آموزش نه آموزش و پرورش. به نظر من آموزش و پرورش باهم هستند اما پرورش یک کم جلوتر است و دلیلش این است که آموزشی که مبتنی بر پرورش نباشد منتهی به فساد می‌شود که این به ضد بشریت نیز هست و بااخلاق هم همسو نیست. من خودم همیشه در کلاس‌هایم سعی کردم از آموزش مایه کمتری بگذارم. به نظر من خود آمدن به دانشگاه یک هدف پرورشی است (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها (شماره ۱ تا ۱۰) بود. به اعتقاد آن‌ها پرورش شخصیت دانشجو از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و باید قبل از امر آموزش موردتوجه قرار گیرد.

۱-۲-۲. به تصویر کشیدن اسلامی که برای دانشجو دغدغه است: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت آرمانی و مطلوب تربیت دینی، دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۵ قابل تأمل است:

به اعتقاد من باید از دردی که دانشجو دارد سخن گفت، از اسلامی که برای او دغدغه است سخن گفت. دانشجوی ما می‌خواهد حرف بزند، چرا ما نباید بزاریم حرف بزنه و بهش بگیم تو باید ساکت باشی؟ ارباب‌رعیتی که نیست!

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۱-۷-۱۱) بود. به اعتقاد آن‌ها باید از دید دانشجو به این دریچه نگاه کرد و سعی کرد بینش و معرفت وی را در این زمینه بالا برد که خود این امر به مربی‌ای نیاز دارد که از بینش و معرفت بالایی برخوردار باشد.

از شاخص‌هایی که در امر تربیت دینی باید از سوی مربیان موردتوجه قرار گیرد، ارتقای سطح معرفتی و بینشی خود و سپس اقدام به امر تربیت دینی متریبان، با توجه به این شاخص است؛ چراکه اگر به دنبال آن هستند که باور و اعتقادی در متریبان ایجاد کنند که عمیقاً در وجود آنان رسوخ نماید، لازمه آن معرفت بخشی متریبان است تا با تکیه بر معرفت ایجادشده، جنبشی در عزم

آنان جهت انتخاب‌گری و التزام عملی فراهم آید؛ بنابراین، برای تحقق امر تربیت دینی، این شاخص از دو سو ضرورت می‌یابد؛ از یکسو از آن جهت که اقدام به امر تربیت دینی، بدون دستیابی مربی به معرفت و بصیرت در زمینه اهداف، مبانی، اصول، شاخص‌ها، محتوی، روش‌ها و مراحل تربیت دینی امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، لازمه التزام عملی مربیان به محتوای تربیت دینی، دستیابی آنان به معرفت و بصیرت لازم در زمینه اعتقادات، احکام و اخلاق و ارزش‌ها است که این امر نیز نیازمند بهره‌گیری از بینش‌های مناسب ارائه‌شده از سوی مربی است (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۱۲۲).

۱-۲-۳. احیای دوباره جایگاه تربیت دینی: در تأیید این مهم در ارتباط با وضعیت آرمانی و مطلوب تربیت دینی، دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۴ قابل تأمل است:

به نظر من توجه به تربیت دینی و مسائل اخلاقی و دینی باعث تقویت بنیان خانواده و حتی محیط دانشگاه‌ها و محیط کار می‌شود؛ بنابراین، جایگاه فعلی آن باید دوباره احیا شود و تدابیری را به کار گرفت تا بیش از پیش به آن توجه شود.

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه‌شونده‌ها بود. به اعتقاد آن‌ها امروزه جایگاه تربیت دینی هم در زندگی شخصی افراد و هم در جامعه، در حال کم‌رنگ‌تر شدن است و برای رفع این مشکل باید تربیت دینی دوباره احیا گردد.

۱-۲-۴. تلاش برای به روز کردن تربیت دینی در هدف و برنامه: در ارتباط با به روز کردن تربیت دینی، دیدگاه برخی از مشارکت‌کنندگان مبنی بر این‌که باید یک بازنگری اساسی در روش‌ها و ابزارهایی که در ارتباط با تربیت دینی است انجام داد، قابل تأمل است. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌دارد:

من فکر می‌کنم بدیهی‌ترین نتیجه‌ای که می‌توانیم بگیریم این است که روش‌های آموزش دینی ما و همچنین الگوهای تربیت دینی ما خوب نبوده و گرنه ما بعد از سی و خورده‌ای سال لازم نبود در نظام دانشگاهی برآمده از انقلاب فرهنگی، استاد ما بگوید که بایستی نگاهیان جلوی در بذاریم تا خانم‌های بدحجاب را راه ندهد! (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید دیگر مصاحبه‌شونده‌ها بود.

۱-۳-۳. پیش‌فرض‌های اساتید در ارتباط با مبانی تربیت دینی

۱-۳-۱. تدریجی بودن فرآیند تربیت دینی: از جمله مبانی تربیت دینی، تدریجی بودن فرآیند تربیت دینی بود که مورد تأیید مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. اعتقاد یکی از مشارکت‌کننده‌ها بر این بود:

به نظر من باید به تدریج و نه بازور و تحکم به تربیت دینی پرداخت، چون شیوه‌های تحکم تربیتی جواب نمی‌دهد. همان طوری که قرآن نیز می‌فرماید: در دین اکراه و اجباری نیست، در واقع برای اینکه زمینه جذب و کشش ایجاد شود، احتیاج به تعامل، گفت‌وگو، صبر و بردباری است، در واقع آشنا‌گری که در او روشنگری وجود دارد و نسبت به سرنوشت فرد حساس باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

این گفته را برخی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها نیز تأیید کردند (شماره ۲-۴-۵-۷). توجه به شاخص صبر و بردباری در فرایند تربیت دینی هم از سوی مربی و هم از سوی متربی ضرورت می‌یابد (کشاورز، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۱۲۲). در واقع، نکته مهمی که در تربیت دینی وجود دارد این است که مربی نمی‌تواند و نباید نسبت به سرنوشت شاگردش (و غفلت او از سرنوشت خویش) غافل بماند. ناگفته پیداست که مربی دینی کار سختی را بر عهده دارد و ممکن است شاگردش متوجه اهمیت تذکرها و نگردها؛ اما مربی باید شکیبا و باگذشت باشد و تحمل از کف نهد. بلکه در نهایت دلسوزی و خوش‌خلقی، دغدغه‌رستگاری و رهایی شاگردش را داشته باشد و بکوشد او را نسبت به سرنوشتش حساس گرداند (بلندهمتان، ۱۳۸۹، ص ۴۲).

۱-۳-۲. تفکیک ناپذیری علم و دین: از مبانی دیگر تربیت دینی، تفکیک ناپذیر بودن علم و دین است. به سخن دیگر، علم آن است که انسان را به سوی مبدأ حقیقی راهنمایی نماید و دین راه خلوص و پاکی را به انسان یاد می‌دهد تا از دانش بهتر استفاده کند. اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان بر این بود:

به نظر من همان‌طور که به علم توجه می‌شود، باید به امر دین هم اهمیت داده شود و به اعتقاد من این دو از هم قابل تفکیک نیستند و باید مثل دو بال به آن‌ها نگاه کنیم که دانشجو با کمک این دو بال، آن انتظاری که از او می‌رود را انجام دهد و بدون هر یک از این بال‌ها، بدون شک شخصیت دانشجو شخصیتی ناقص می‌شود (مصاحبه‌شونده شماره ۶).

این گفته را برخی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها نیز تأیید کردند (شماره ۵-۷-۸-۱۱). تا جایی که در منطق اسلام نیز همه علوم ارزشمند شمرده شده و بر ارزش آن‌ها تأکید بسیار شده و شاخه‌های گوناگون معرفت، برای کمال و رشد بشر، ضروری شناخته شده است (کاردران و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۲۹). از این رو، طبقه‌بندی اهداف تربیتی که ناظر بر کل زندگی است و سرچشمه آن گزاره‌های دینی است، نه تنها با طبقه‌بندی اهداف تربیتی در علوم (تربیتی) تعارضی ندارد، بلکه ارتباط قوی این دو باهم، ضامن نیل به اهداف تربیتی است (اعرافی، ۱۳۷۶، ص ۲۲).

۱-۳-۳. فطری بودن توحید: از مبانی دیگر تربیت دینی، فطری بودن توحید است. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

به اعتقاد من دین یک قضیه فطری است و در وجود انسان فطرتاً ایمان هست؛ بنابراین، ما وظیفه داریم که مطرح بکنیم و اگر طرف مقابلمان که دانشجویست نخواست، این اختیاریه؛ اما من استاد باید حداقل به عنوان یک معلم پیشنهاد را داشته باشم (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

این گفته را تعداد دیگری از مصاحبه‌شونده‌ها نیز تأیید کردند (شماره ۵-۷-۱۱). همان‌گونه که در سرشت انسان‌گرایی عالی‌تر به مبدأ هستی و پرستش خداوند نهفته است و این‌گرایش در انسان، وی را به زندگی برتر و وابستگی به عبادت و پیروی مذاهب، جذب می‌کند؛ بنابراین، خدا‌گرایی و تعلق قلبی به ماورای طبیعت و به‌ویژه دین، فطری و ذاتی انسان است (کاردان و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۳۹-۴۷۴). به عبارت دیگر، آدمی فطرتاً گرایشی به سوی خدا دارد، بدان معنا که فطرت آدمی خداجو و در جست‌وجوی خدا است (بلندهمتان، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

جدول ۲: پیش‌فرض‌ها

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (بخش‌های کانون توجه)	ریز بخش‌های نگاه
دانشگاه	لزوم بازاندیشی در تربیت دینی	وضعیت کنونی نامطلوب	الف) ضعیف بودن جایگاه فعلی تربیت دینی در دانشگاه (توجه به تحصیلات و یادگیری و نه رشد فردی) ب) بی‌انگیزگی ورودی‌های جدید نسبت به دین و تربیت دینی پ) بی‌توجهی به زیرساخت‌های اخلاقی و دینی ت) استفاده ابزار گونه از دین
		وضعیت آرمانی و مطلوب	الف) تقدم پرورش شخصیت دانشجو بر آموزش ب) به تصویر کشیدن اسلامی که برای دانشجو دغدغه است پ) احیای دوباره جایگاه تربیت دینی ت) تلاش برای به‌روز کردن تربیت دینی در هدف و برنامه
		مبانی تربیت دینی	الف) تدریجی بودن فرایند تربیت دینی ب) تفکیک‌ناپذیری علم و دین پ) فطری بودن توحید

۲. اصول به کار گرفته‌شده توسط اساتید در ارتباط با تربیت دینی

۱-۲. آزادی عمل و فکر: آزادی عمل و فکر امر مهمی بوده تا جایی که سعی در فراهم آوردن فضایی در کلاس درس که دانشجو در آن احساس آرامش داشته باشد، ضروری است. در تأیید این نکته یکی از مشارکت‌کنندگان بر این باور بود:

من اول از هر چیزی آزادی بیان دانشجو برام مهم است، بعد از آن آدم درستی بودن، چون خداوند هم می‌فرماید: قرآن هدایت است برای آدم درستکار. لذا ما باید بستر را مناسب قرار دهیم؛ یعنی آدم درستکاری که خوب و بد برایش مطرح باشد و یک مانع برای خودش بزاره؛ بنابراین، وقتی این را داشت یعنی آزادی بیان، آزادی بیان، آزادی فکر را می‌آورد و

بعد از این مرحله خودش برای خودش یک قیدی بزاره، نه این که ما بهش قید بدیم. به اعتقاد من لازم نیست ما به خدا نزدیکش کنیم، خودش به خدا نزدیک می شود ما باید محیط را فراهم کنیم (مصاحبه شونده شماره ۹).

گفته های این مشارکت کننده مورد تأیید مصاحبه شونده های (شماره ۳-۶-۷-۱۰) بود. در واقع یکی از ویژگی های بشر و از وجوه شخصیت وی «اختیار و آزادی» و قدرت انتخاب گری است و اهمیت این ویژگی در بافت وجودی انسان بدان پایه است که برخی، فصل مقوم انسان و اساس شخصیت وی را در آزادی وی می دانند؛ نظیر مکتب اگزیستانسیالیسم که پیروان آن برترین ویژگی انسان را آزادی وی می دانند؛ بنابراین، اختیار و آزادی است که به تعلیم و تربیت و مکاتب تربیتی، معنی و مفهوم می بخشد و در این فضا است که تعلیم و تربیت، به مفهوم خاص انسانی آن جای می گیرد (کاردان و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۴۸۱).

۲-۲. اخلاق مداری: یکی از مشارکت کنندگان در ارتباط با اخلاق مداری و اهمیت فضایل اخلاقی چنین اظهار داشت:

به نظر من آموزش به تنهایی کافی نیست؛ بنابراین، فردی که میاد دانشگاه به اندازه کافی آموزش دیده از خانواده، مدرسه، محیط و رسانه ها؛ بنابراین، کار یک استاد این است که با اخلاق آموزش دهد، البته منظوم این نیست که اساتید اخلاق را تدریس کنند، اما وقتی سعی کنند در رفتار و عمل رعایت کنند خود این ها یعنی اخلاق؛ بنابراین، اساتید می توانند با عمل و رفتارشان این اخلاق را رعایت کنند و در عمل تربیت دینی را به دانشجو منتقل کنند، لزومی نیست حتماً آن را به شکل مستقیم سر کلاس تدریس کنند (مصاحبه شونده شماره ۴).

گفته های این مشارکت کننده مورد تأیید مصاحبه شونده های (شماره ۳-۵-۶-۸-۱۱) بود. از نظر دانشمندان مسلمان نیز، علم اخلاق، علم صفت های فضیلت و رذیلت و چگونگی آراسته شدن به فضیلت ها و پاک شدن از رذیلت هاست. خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف این علم گفته است: «علم است بدان که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب تواند کرد که جملگی افعالی که به ارادت او ازو صادر شود، جمیل و محمود بود». در واقع از نظر وی اخلاق علم صفت های خوب و بد است (حسینی زاده و داوودی، ۱۳۹۱، ص ۸).

۲-۳. قرآن محوری: اهمیت بهره گیری از قرآن در امر تربیت دینی و محور قرار دادن قرآن در این امر را می توان در مصاحبه با تمامی مشارکت کنندگان دریافت. یکی از مشارکت کنندگان در این باره بیان می دارد:

من بیشتر سعی می‌کنم در این راستا در درجه اول از قرآن بهره بگیرم، چون دستورالعمل و روشی که ما در زمینه تربیت دینی به کار می‌بریم زمانی مورد قبول واقع می‌شود که کاملاً با قرآن مطابقت داشته باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها بود. از آنجاکه تربیت دینی درصدد تحول جان آدمی است، آنچه این تحول را می‌آفریند همانا وحی الهی و کلام اوست. از این منظر و با توجه به چنین اهمیتی، هر کاوشی در تربیت دینی، نخست و پیش از هر چیز باید از خود قرآن کریم آغاز شود و هرگونه بی‌توجهی به آن در بحث از تربیت دینی اشتباهی نابخشودنی می‌نماید (بلندهمتان، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹).

۲-۴. الگو محور بودن: بسیاری از مشارکت‌کنندگان به اهمیت الگو محوری اشاره کردند. تا جایی که همه آن‌ها بر این نکته اتفاق نظر داشتند که از جمله وظایف اساتید این است که حداقل سعی کنند خود را الگو پندارند و رفتار و اخلاق خود را بیشتر مراقبت کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌دارد:

به اعتقاد من یک استاد اگر بخواهد در ضمن امر تعلیم و آموزش، کار تربیتی را هم انجام دهد باید سعی کند حداقل برای مخاطبش یک الگو باشد. زمانی که ما می‌گیریم الگو، الگو بودن در جنبه‌های مختلف را شامل می‌شود، مثلاً فقط در سخن گفتن و در نشست نیست، بلکه در تمام موارد باید الگو باشد (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها (شماره ۱ تا ۸) بود. از این رو، الگو محور بودن از این جهت اهمیت دارد که اولاً، متربی رفتار اخلاقی را در عمل و با همه جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و به همین سبب، نه تنها با خود رفتار اخلاقی، بلکه با شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد و با جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد. ثانیاً، مشاهده عمل اخلاقی صادرشده از الگو، امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای متربی اثبات می‌کند و این از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارهای اخلاقی محال به نظر آید. ثالثاً، مشاهده رفتارهای اخلاقی الگو و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در متربی گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای اخلاقی ایجاد و تقویت شود (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲).

جدول ۳. اصول تربیت دینی

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (بخش‌های کانون توجه)
استاد	تربیت دینی اصول محور	آزادی عمل و فکر
		اخلاق مدار
		قرآن محور
		الگو محور

۳. شیوه‌های به کار گرفته شده توسط اساتید در ارتباط با تربیت دینی

۳-۱. شناختن شاگرد و زمینه خانوادگی: شناخت متربی و زمینه خانوادگی از جمله عوامل مهم در

موفقیت تربیت دینی است. در ارتباط با این مهم اعتقاد یکی از مشارکت‌کنندگان بر این بود:

بنده معتقدم اگر بخوام هر کاری انجام بدم باید در آن زمینه شناختم خوب باشه. خصوصاً اگر من استاد نسبت به دانشجویام شناخت درستی نداشته باشم نمی‌تونم در مسیر هدایت دانشجو به قرب الهی موفق باشم. پس زمانی که من شناخت درستی از دانشجو نداشته باشم، نمی‌تونم باهاش کارکنم و حرفش رو بفهمم (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های شماره ۱-۳-۱۱ بود. به اعتقاد علامه طباطبایی شناخت فراگیران و آگاهی از میزان استعداد، قدرت درک، آمادگی و زمینه عملی آنان، معلم را در انتخاب روش مناسب در تدریس یاری می‌کند و موجب می‌شود با آنان به اندازه توانایی و استعدادشان رفتار نماید و از طرح مطالبی که دانش‌آموزان قادر به درک و فهم آن نیستند، اجتناب کند. وی معتقد است پیامبران الهی پیوسته خود را یکی از افراد مردم به حساب می‌آوردند و با هر طبقه‌ای، به میزان استعداد و فهمشان رفتار می‌کردند؛ این حقیقت از گفت‌وگوهایی که به حکایت قرآن، با مردم داشته‌اند، به خوبی استفاده می‌شود (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۵۰).

و اما در ارتباط با اهمیت خانواده باید گفت که شاکله شخصیت فرد به لحاظ تربیت دینی توسط نهاد خانواده ساخته می‌شود. در واقع خانواده مهم‌ترین الگو و حساس‌ترین و اساسی‌ترین نهاد در درونی‌کردن تربیت دینی است. در تأیید این نکته یکی از مشارکت‌کنندگان بر این باور بود:

به نظر من کسانی که در زمان و موقعیت مناسب با اندیشه‌های تربیت دینی در خانواده آشنا نشده‌اند، در ادامه زندگی نیز با آن برخورد نکرده‌اند. نقش خانواده در تربیت دینی بسیار برجسته است، حال چه به‌عنوان دانشجو و چه به‌عنوان استاد یا حتی یک فرد بازاری هیچ فرقی نمی‌کند و این تربیت با فرد است و چهارچوب‌ها را برای آن فرد تعریف می‌کند (مصاحبه‌شونده شماره ۳).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (۲-۷-۸) بود.

۲-۳. تذکر دوستانه و مشاور گونه: تذکر دوستانه و بر پایه محبت از جمله مهم ترین روش هایی است که زمینه را برای تربیت دینی و تأثیرگذاری مری آماده و مساعد می کند. در تأیید این نکته، یکی از مشارکت کنندگان این گونه دیدگاه خود را تبیین می کند:

هرچند که من این اجازه را به خودم نمی دهم که در خیلی از مسائل شخصی مربوط به دانشجو دخالت کنم اما نمی توانم کاملاً بی تفاوت باشم. من بارها شده که دانشجو را دیدم که رفتارش رفتاری بوده که شایسته یک دانشجو نبوده و من سعی کردم این را به آن دانشجو تذکر بدم اما به شکلی دوستانه و شاید آن مرحله آخر اگر لازم شده باشد به صورت جدی برخورد کردم. اگر موقعیتی این چنینی برای من پیش بیاید خود من سعی می کنم به صورت فردی با دانشجو صحبت کنم و زمانی که احساس کنم که می توانم مؤثر باشم سعی می کنم به صورت غیرمستقیم دانشجو را متوجه این امر می کنم (مصاحبه شونده شماره ۱۰).

گفته های این مشارکت کننده مورد تأیید مصاحبه شونده های (شماره ۷-۸-۱۱) بود. در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت نیز محبت به دیگران جایگاه والایی یافته است. تا جایی که تحقیقات علمی نیز همین مطلب را تأیید می کند. تیلور می گوید: یافته های روان شناسان نشان می دهد که هر چه مخاطبان نگاه مثبت تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت تر ارزیابی کرده و احتمال بیشتری دارد نگرش خود را مطابق نظر گوینده تغییر دهند. وی در ادامه، در تبیین این مسئله می گوید: از آنجاکه انسان ها سعی می کنند شناخت هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد برحسب نگرش های کسانی که دوست دارند تغییر می دهند (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵).

۳-۳. الگو بودن استاد: در فرآیند دو مقوله مهم یعنی تربیت و تربیت دینی، الگو بودن اساتید ارتباط تنگاتنگی با عمل اساتید داشته و تربیت و تربیت دینی باید از خود اساتید شروع شود. در تأیید این نکته اظهارات یکی از مشارکت کنندگان قابل تأمل است:

به اعتقاد من الگوی عملی خیلی مؤثرتر از سخن گفتن و حرف زدن است و به نظرم آنچه را یک دانشجو از عمل و رفتار یک استاد می گیرد خیلی بیشتر از آن چیزی است که از گفتار و حرف زدنش می گیرد؛ و این در قرآن هم هست و روی آن تأکید شده که گناهی بس بزرگ است اگر انسان چیزی بگوید و در مقام عمل، به آن عمل نکند (مصاحبه شونده شماره ۱۱).

گفته های این مشارکت کننده مورد تأیید مصاحبه شونده های (شماره ۷-۸-۹-۱۰) بود. نباید این مهم را فراموش کرد که تربیتی دینی، مستلزم عمل گرایی است؛ از یک سو، مری باید ضمن اقدام عملی جهت امر تربیت دینی متربیان، خود نیز پابندی عملی به اعتقادات، احکام و

ارزش‌های دینی داشته باشد؛ چراکه عدم پابندی عملی مربی به آنچه می‌گوید زمینه بی‌توجهی متریان به گفته‌های او را فراهم می‌آورد و گاه این ذهنیت را ایجاد خواهد کرد که رهنمودهای ارائه‌شده شعاری بیش نیست و پشتوانه عملی ندارند؛ چنانکه رسول خدا بیان می‌دارند: هرگاه عالم بدانند و عمل نکنند، به چراغی می‌مانند که روشنگر مردم است و خویشتن را می‌سوزاند (خود از این روشنایی سودی نمی‌برد و ضرر می‌کند) و از سوی دیگر، مربی باید به دنبال آن باشد که بعد از ارائه معرفت و بینش صحیح و مناسب، زمینه‌های الزام درونی و التزام عملی را در متریان فراهم سازد (کشاوری، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۱۲۲).

۳-۴. نهی از ریا: مطابقت عمل و گفته‌ها در فرآیند تربیت دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در غیر این صورت چیزی جز تظاهر و ریا نخواهد بود. یکی مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

این که من بخوام یک الگو باشم برای دانشجو و بخوام روی رفتار و تفکر دانشجو تأثیر مثبت بگذارم هم می‌شود به شکل مستقیم دانشجو را به آن مسیر بکشانم که به نظرم هدف نهایی است و هم می‌شود او را راهنمایی کرد و دانشجو هم به این نتیجه برسد که من را به‌عنوان یک الگو بپذیرد خیلی فرق می‌کند با اینکه من پیام برای دانشجو نقش بازی کنم و یک حالت تقدس مانند به خودم بگیرم. به نظرم خیلی از کسانی که ادعا می‌کنند تربیت آن‌ها درست است و از تربیت دینی درستی برخوردارند، درواقع این‌ها بیشتر فیلم تربیت دینی را بازی می‌کنند چون کسی که از تربیت دینی به معنای واقعی برخوردار است از این تظاهرات به دور است (مصاحبه‌شونده شماره ۸).

گفته‌های این مشارکت‌کننده مورد تأیید مصاحبه‌شونده‌های (شماره ۳-۷) بود. علامه طباطبایی معتقد است «از شرایط تربیت صالح این است که معلم و مربی باید، صفات شایسته‌ای را که به دانش‌آموزان سفارش می‌کند، خود نیز داشته باشد وگرنه تربیت او اثری نخواهد داشت. به اعتقاد وی تزکیه در تدریس باید با مظاهری مانند اخلاص، صداقت، پابندی به احکام اسلامی، تعلم و ادب در کلاس و فضای آموزشی متجلی شود» (صالحی و یار احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۵۰).

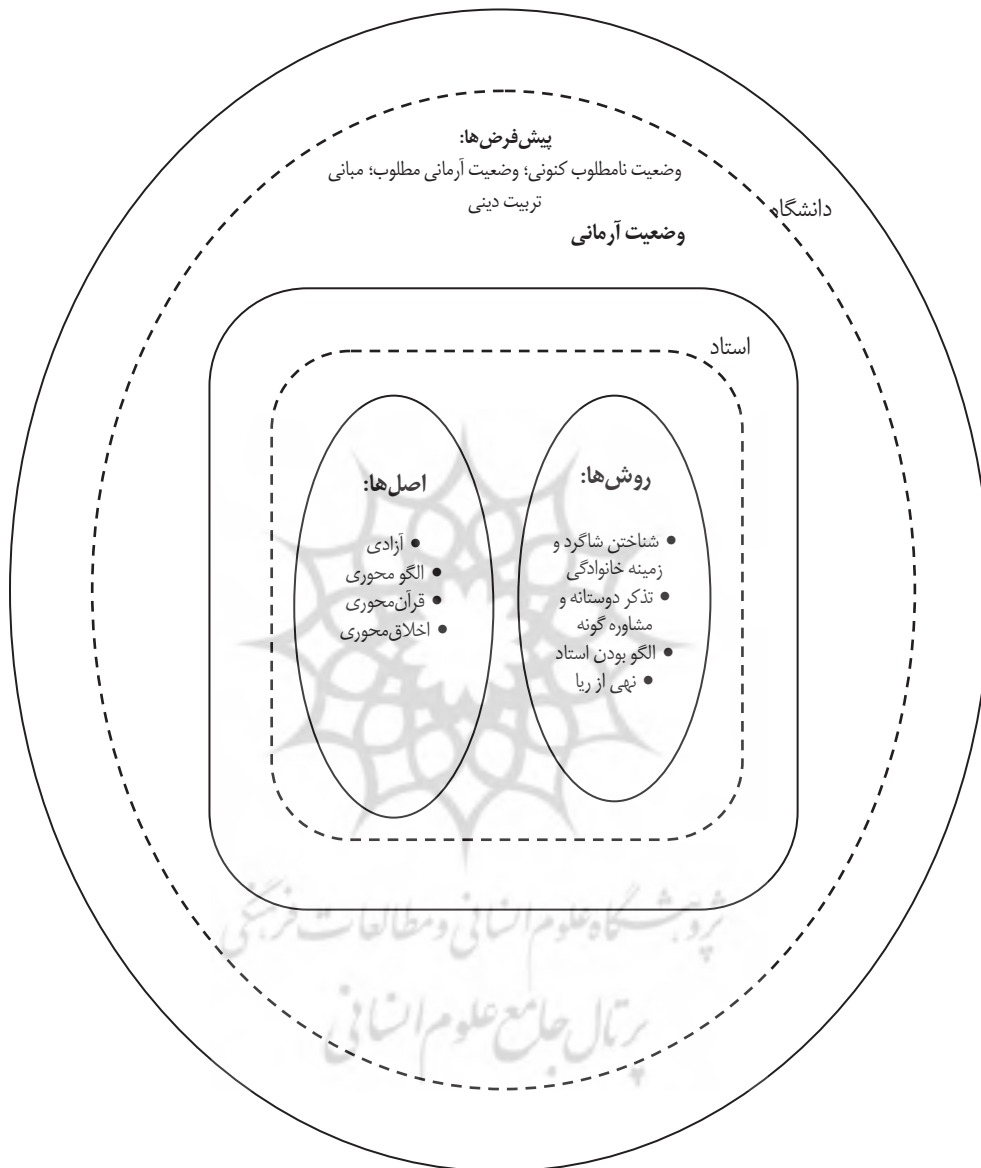
جدول ۴: روش‌های تربیت دینی

افق بیرونی	افق درونی، عنصر ثابت (کانون توجه)	افق درونی، عنصر متغیر (بخش‌های کانون توجه)
استاد	روش نرم غیرمستقیم	شناختن شاگرد و زمینه خانوادگی
		تذکر دوستانه و مشاوره گونه
		الگو بودن استاد
		نهی از ریا

بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری کلی چنان‌که از تجربه زیسته اساتید برمی‌آید، جایگاه تربیت دینی در وضعیت فعلی ضعیف است و برای برون‌رفت از این وضعیت، باید در کنار توجه به یادگیری و تحصیلات دانشجویان به رشد فردی آن‌ها در همه زمینه‌ها که تربیت دینی را نیز شامل می‌شود، توجه بیشتری نمود؛ زیرا علم و دین از هم تفکیک ناپذیرند و برای رسیدن به کمال ضروری‌اند، کمالی که ریشه در فطرت بشر داشته و همان فطرت آنان را به سوی توحید می‌کشاند. همچنین با اهمیت دادن به زیر ساخت‌های اخلاقی و دینی و با توجه به اصل آزادی فکر و عمل و در کنار آن الگو محوری اساتید، سعی کرد چهره‌ای از دین و تربیت دینی را برای دانشجو به تصویر کشید که دغدغه اوست تا بدین وسیله انگیزه وی نسبت به مسائل دینی بیشتر شود. برای رسیدن به چنین وضعیتی، استاد لازم است دانشجو و زمینه‌های خانوادگی و فرهنگی او را شناخته، وی را به سوی کردار راستین دینی به دور از ریا و تظاهر کشانده و خود در این کار پیشگام باشد؛ ولی هرگاه هم که لازم شد، دوستانه و مشاوره گونه دانشجو را راهنمایی کند. یکی از مهم‌ترین سازمان‌هایی که مسئولیت انتخاب و انتقال عناصری مثل فرهنگ به نسل ناخواسته جامعه را بر عهده دارد، سازمان‌های آموزشی آن جامعه است. در نتیجه، می‌توان گفت نقش و رسالت چنین سازمان‌هایی تا آن اندازه است که از آن انتظار می‌رود پاسخگوی نیازهای معنوی و مادی بوده و به‌عنوان عامل اصلی، تحقق نیازهای فردی و اجتماعی را ممکن سازد؛ بنابراین، چنین فرآیند مهمی نیازمند افرادی فرهیخته و از هر نظر رشد یافته است تا بتواند از یک طرف علاوه بر هر چه بهتر انجام دادن رسالتی که بر عهده دارند، از طرف دیگر به پرورش همه جانبه شخصیت شاگردان بپردازند. این را به‌ویژه درباره دانشگاه هم باید گفت. دانشگاه باید به تربیت دانشجویان در همه ابعاد و زمینه‌ها (و نه تنها در زمینه تحصیلی) پرداخته و رشد فردی آنان را در همه ابعاد وجودی‌شان هموار سازد. می‌توان گفت یکی از ارکان این نهاد مهم، اساتید هستند که وظیفه مهم تعلیم و تربیت دانشجویان را بر عهده دارند. لازم به ذکر است که مسئولیت و رسالت اساتید تنها به جنبه فنی و تخصصی آن‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه تربیت و تربیت دینی (خصوصاً در دانشگاه‌های کشور ما که از دین مبین اسلام برخورداریم) نیز باید مکمل آن بوده تا بتوانند در جهت غایت اهداف نظام آموزشی (قرب الهی) گام بردارند و در این راستا مثمر ثمر واقع شوند.

فضای نتیجه



یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که تربیت دینی در شرایط فعلی از جایگاه مطلوبی برخوردار نبوده و نیاز به توجهی بیشتر از پیش دارد. تا جایگاهش در دانشگاه‌ها احیا شود، به گونه‌ای که برای

دانشجو برانگیزاننده باشد. به همین منظور به اساتیدی نیاز دارد که در آن‌ها تربیت و تربیت دینی به شکل سالمی نهادینه شده باشد و با گفتار و عمل خود، آشکارا و نهان در رساندن دانشجو به کمال تلاش کنند. لذا فراهم ساختن فضا و بستر مناسب برای اجرای تربیت دینی در دانشگاه‌ها، برگزاری سمینارها و کارگاه‌هایی در ارتباط با تربیت دینی، بازنگری دوباره در روش‌های فعلی (موعظه) که برای تربیت دینی به کار گرفته شده، استفاده از روش‌ها و ابزارهای متناسب با تربیت دینی برای بحث و مباحثه بیشتر به شکل علمی و منطقی در دانشگاه‌ها، لازم و ضروری است. بر این اساس اساتید ما به عنوان رکن اصلی دانشگاه مسئولیت‌های مهمی دارند که فقط به جنبه‌های علمی و فنی محدود نمی‌شود، بلکه به مانند اخلاق، تربیت دینی نیز باید همانند چتری باشد که بر تمام فعالیت‌های آن‌ها سایه افکند. البته باید به این نکته توجه داشت که تربیت دینی کاری پیوسته است و در طول زمان اتفاق می‌افتد و همین نکته ضرورت توجه به تربیت دینی که در شرایط فعلی جایگاه آن ضعیف ارزیابی شده است را بیش از پیش آشکار می‌سازد. واپسین نکته مهمی که باید در نظر گرفت آن است که در مصاحبه با مشارکت‌کنندگان آنچه آشکار است آن است که دیدگاه مشارکت‌کنندگان در ارتباط با پیش‌فرض‌ها، اصول و روش‌های ارائه شده توسط آن‌ها در ارتباط با تربیت دینی نامنسجم بوده که متأسفانه منجر به نوعی نامنسجمی در پاسخ‌های آن‌ها نیز شد. برای جبران این کاستی باید دوره‌هایی منسجم برای آشنایی آکادمیک با نظریه‌های تربیت دینی برای استادان برگزار شود تا آنان با آگاهی بیشتر به کار تربیت دینی بپردازند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اعرافی، علیرضا (۱۳۷۶)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.
- باقری، خسرو (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، (کاوشی برای تدوین چهارچوب نظری تربیت اسلامی)، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه)، ج ۱.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: مدرسه.
- بلندهمتان، کیوان؛ نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۷)، «فرا-فلسفه تربیت دینی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۶، ص ۹-۲۶.
- بلندهمتان، کیوان (۱۳۸۹)، ایمان و تربیت، تأملی بر تربیت دینی بر مبنای مفهوم ایمان در قرآن، سنندج: پرتویان.
- دانایی فرد، حسن؛ کاظمی، سید حسن (۱۳۹۰)، پژوهش‌های تفسیری در سازمان، استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدار نگاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
- داوودی، محمد؛ حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۹)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، تهران: سمت.
- داوودی، محمد (۱۳۹۱)، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، جلد سوم، تربیت اخلاقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صالحی، اکبر؛ یار احمدی، مصطفی (۱۳۸۷)، «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»، دو فصلنامه علمی-تخصصی تربیت اسلامی، شماره ۷، ص ۲۳-۵۰.
- کاردان، علی محمد و دیگران (۱۳۷۸)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سمت، جلد اول.
- کشاوری، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۳، ص ۹۳-۱۲۲.
- Alpert, J. S. (2006), My Personal Philosophy for Academic Medicine, *The American Journal of Medicine*, 119(10), p.811.
- Burbidge, J. L. (1985), Production planning and control: A Personal Philosophy, *Computers in Industry*, 6(6), December, pp. 477-487.

- Bowden, J. & Walsh, E. (2000), *Phenomenography: Qualitative Research Methods*, RMIT University Press.
- Coppola, B. (2002), Writing a statement of teaching philosophy, *Journal of College Science Teaching*, ProQuest, p. 448.
- Grundman, H. G. (2006), Writing a teaching philosophy statement, *American Mathematical Society*, 53(11), pp. 1329-1333.
- Dewey, J. (1897), My Pedagogic Creed, *School Journal* vol. 54, pp.77-80.
- Mandernach, B. J. (2009), Writing the “syllabus version” of your philosophy of teaching, USA, Magna publications.
- Maclowry, J. D. (1981), Systems approaches to clinical microbiology: A personal Philosophy, *Clinical Microbiology Newsletter*, 3(18), 15 September, pp. 119-121.
- Peters, M. A. (2009), A Teaching Philosophy or Philosophy of Teaching, *Educational philosophy and Theory*, 41(2), Pp. 16-19. Doi:10.1111/j1469-5812.2009.00526.x.
- Smith, G. (1987), The care of our children in everyday life, *Brain and Development*, 9(5), Pp.550-55.
- Writing Personal Philosophy of teaching; available at:
<http://www2.hawaii.edu/~sford/research/philosophy/>
<http://www.princeton.edu/wcgraw/library/for-grad-students/teaching statement/>
<http://www.teaching center.wust.edu/>
<http://www.chornicle.com/article/how to write a statement of teaching philosophy />
<http://www.celt.instate.edu/teaching>
<http://www.lumn.edu/ohr/teach learn/tutorials/philosophy/>